



در امتداد تاریکی

فرجام عاشقی خیابانی فرزندان طلاق!

روزی که در یکی از شبکه های اجتماعی فضای مجازی با «جهان» آشنا شدمم اورا پسری یافتم که بهتر از دیگران می تواند مراد رک کندو در آرزوهایم شریک شود چرا که «جهان» هم مانند من فرزند طلاق بودو ... به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات دختر ۱۸ ساله معنادی است که برای پیگیری پرونده تنهکاری های شوهر ۲۱ ساله اش وارد مرکز انتظامی شده بود. این دختر جوان در حالی که بیان می کرد من از خلافتکاری های شوهرم اطلاع نداشتمم و اکنون دختری سرگردان و بی پناه هستم، در باره قصه تلخکامی هایش گفت: ۱۱ سال قبل در میان اشک ها و بغض پنهان مادرم، لباس فرم مدرسه را پوشیدم و در حالی که با خوشحالی دست یکی از دوستانم را می فشردم، راهی کلاس درس شدم. آن روز مانند خیلی از بچه ها که اولین روز مدرسه را با شادمانی سپری می کنند من هم در پوست خودم نمی گنجیدم. آن قدر احساس شادی و لذت سر اسر وجودم را فر گرفته بود که متوجه اشک های مادر نبودم فقط به کیف مدرسه نگاه می کردم با دوستان جدیدم خوش می گذر اندم اما همه این عواطف زیبا و شادی های دل انگیز، چند ساعت بیشتر نبود چرا که وقتی از مدرسه به خانه باز گشتم با کلمه «طلاق» آشنا شدم که بین پدر و مادر جدایی افکنده بود. آن روز سیاه، مادر دست من و خواهرم را گرفت و به خانه دیگری برد که به تازگی اجاره کرده بود. پدرم با آن که در سنگ کاری ساختمانی مهارت زیادی داشت اما به خاطر اعتیادش سر کار نمی رفت و ادعا می کرد ساخت و ساز واحدهای آپارتمانی کاهش یافته و دیگر کسی به استاد سنگ کاری نیازی ندارد!

همین موضوع هم به ناسازگاری و مشاجره های پدر و مادر تبدیل شده بود تا این که بالاخره از یکدیگر جدا شدند و من و خواهرم نیز فرزندان طلاق نام گرفتیم! حالا مادرم در خانه های مردم کار می کرد تا هزینه های زندگی را تأمین کند. وقتی به ۱۵ سالگی رسیدم، آقای مهندس که مادر منمزل او را نظافت می کرد، گوشی هوشمند دخترش را به مادرم داد تا من برای تحصیل از آن استفاده کنم و برای دخترش گوشی مدل بالاتری خرید. من که از مشاهده گوشی ذوق زده شده بودم بلافاصله وار دفضا های مجازی شدم تا همه عقهده های تنهایی و احساس حقارت هایم را به یکبار ه زی بار بگذارم و برای ساعاتی مانند دیگر هم کلاسی هایم فخر فروشی کنم! چند روز بعد اما در مسیر مدرسه نگاهم به لبخند های پسر جوانی گره خورد که او نیز چشم به گوشی تلفن دوخته بود. با همین نگاه اول، مهرش را در دلم جای دادم و این گونه بود که به دنبال عشقی خیابانی، گفت و گوهای تلفنی و دیدار های پنهانی مادر کوچه و خیابان آغاز شد. «جهان» اسر نوشتی شبیه من داشت چرا که او نیز در دوران خردسالی فرزند طلاق نام گرفته و قیچی طلاق، رشته زندگی مشترک پدر و مادرش را بریده بود. «جهان» که اکنون ۱۸ سال داشت، از همان مقطع ابتدایی ترک تحصیل کرده بود و با پول اندکی که از مادرش می گرفت، زندگی می کرد.

خلاصه این عشق و عاشقی هیچانی یک سال بعد در حالی به مشاجره های خانواده گی و قهر و آشتی انجامید که «جهان» از من خواستگاری کرد ولی خانواده هایمان به شدت مخالف از دواجمان بودند ولی ما بر خواسته خودمان اصرار کردیم تا جایی که بالاخره با صیغه محرمیت و مهریه ۵شاخه گل سرخ، بدون حضور خانواده ها با هم از دواج کر دیم. چند روز بعد که «جهان» یک اتاق کوچک در حاشیه شهر اجاره کرد، تازه فهمیدم که او به مواد مخدر از نوع «گل» اعتیاد دارد. به اصرار همسر من هم برای رهایی از غم و غصه هایم به مصرف سیگار و «گل» رو آوردم اما از عاقبت آن اطلاعی نداشتم. با آن که مادرم به خاطر اعتیاد پدرم طلاق گرفته بود ولی من تصور می کردم فقط افرادی که شیوه و تریاک می کشند معتاد هستند. زندگی مشترک ما در حالی سپری می شد که «جهان» تا ظهیر می خوابید و شب ها سر کار می رفت اما هنوز یک سال از این ماجرا نگذشته بود که روزی نیروهای کلانتری شهر ک فر اجا به منزل لمان آمدند و شوهرم را دستگیر کردند. وقتی به کلانتری آمدم تازه متوجه شدم که «جهان» به بهانه نگهدانی شب در یک پروژه ساختمانی، از خانه بیرون می رفت و تا سپیده دم نه تنها اموال مردم را می ربود بلکه گوشی تلفن و لوازم دیگر را هم از سر قان و همدستانش می خرید. اکنون که ۶ ماه است در زندان به سر می بر د، من هم آواره و سرگردان هستم و نمی دانم چگونه ماجرای اعتیاد مرا با مادر در میان بگذارم. از سوی دیگر هم یقین دارم که حتی بعد از آزادی شوهرم از زندان، دیگر این زندگی مشترک فرجامی نخواهد داشت اما ای کاش...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است برای جلوگیری از سقوط زن ۱۸ ساله در سراب تنهکاری و همچنین رهایی وی از چنگال مواد افیونی، تلاش گسترده ای از سوی مشاوران و مددکاران اجتماعی برای معرفی وی به مراکز ترک اعتیاد با راهنمایی و دستور های محرمانه سرهنگ آرش ایرنمنش (رئیس کلانتری شهر ک فر اجای مشهد) آغاز شد.

بر اساس ماجرای واقعی در زیر پوست شهر

گفت و گو با دختری که از مرگ گریخت

اعترافات «عقرب های هوسران» در لانه شیطانی!



سید خلیل سجادیپور
info@khorasannews.com

صبح روز گذشته، ۴ متهم پرونده معروف به «عقرب های هوسران» به همراه دختری که از مرگ گریخت، صحنه سقوط مرگبار «سیتا» (دختر ۲۰ ساله) را در لانه شیطانی بازسازی کردند.

به گزارش روزنامه خراسان، در آغاز بازسازی صحنه حادثه، متهمان این پرونده جنایی با دستور قاضی ویژه قتل عمد مشهد، مقابل دوربین قوه قضاییه قرار گرفتند تا ناگفته های این ماجرای هولناک را بازگو کنند. در همین حال قاضی دکتر صادق صفری با تفهیم اتهام مواد قانونی مبنی بر این که مواظب اظهارات خود باشند و حقیقت ماجرا را بیان کنند چرا که اظهارات و اعترافات آنان در مراحل دادرسی مورد استناد قضایی قرار می گیرد، ابتدا از «ف-ف» خواست چگونگی حضور خود در منزل ۴ طبقه (لانه شیطانی) را شرح دهد.

این دختر ۱۹ ساله با بیان این که متاهل است اما از خانه فرار کرده و به منزل دوستش «سیتا» آمده است، گفت: من یک بار دیگر به تقاضای «سیتا» به این «لانه شیطانی» آمده بودم ولی آن روز هیچ گونه تعرضی به من نشد و من دوباره به منزل دوستم رفتم. این بار نیز دوتن از پسران جوان (متهمان) با موتور سیکلت به سرانجام آمدند ولی من



معاشرتی با آن ها نداشتم به همین دلیل هم به خواسته آن ها برای حضور در منزل پدری «نیمّا» (یکی از متهمان) خودداری کردم ولی در ادامه وقتی «سیتا» با من تماس گرفت مرا ارضی کرد که به خاطر او که تنها بود به این مکان بیایم.

زمانی که وارد خانه شدم «نیمّا» به من دست درازی کرد که من هم به سینه اش ناخن کشیدم و بدین ترتیب درگیری بین ما شروع شد ولی با آمدن دوتن دیگر از دوستان نیمّا و صدرا به این خانه، دیگر نمی توانستم در برابر تهدیدها و چاقو کشی آن ها مقاومت کنم. حتی «سیتا» (مقتول) به داخل آشپزخانه رفت و برای ترساندن یا ترحم آن ۴ جوان بطری شیشه ای را به زمین کوبید تا با شیشه شکسته شاهرگش را بزند چرا که آن ها گوشی های تلفن ما را هم گرفته بودند که به پلیس ۱۱۰ رنگ نز نیمم و در منزل را هم قفل کرده بودند.

حتی من به دروغ گفتم که من ۴ بسته قرص خورده ام ولی باید برای من ۴ بسته دیگر هم بگیرید که بخورم و به این طریق به دنبال راه هایی برای فرار از چنگ متعمرضان (عقرب های هوسران) بودیم! این وجود تلاش های مایی فایده بود چرا که «نیمّا» تهدید می کرد و می گفت من حتی مجازات آدم ربایی را هم به جان خریدم! با این جملات دیگر یقین داشتیم که نمی توانیم از آن جافرا کنیم. این بود که «سیتا» به بهانه این که می تواند مرا برای تسلیم شدن در برابر خواسته شوم آن ها ارضی کند، به داخل اتاق برد که بعد هم تصمیم گرفتیم از بالکن فرار کنیم اما او سقوط کرد و من هم وقتی این صحنه را دیدم فقط جیغ کشیدم و دستانم را به دیوار بالکن محکم گرفتم که آن ها (متهمان) مرا بالا کشیدند.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است در ادامه بازسازی صحنه جنایت که سرگرد رضا شکبیا (افسر پرونده) نیز حضور داشت و اظهارات متهمان را با آن چه در

بازجویی های تخصصی پلیسی بیان کرده بودند، مطابقت می داد و به ثبت می رساند، قاضی دکتر صادق صفری به طرح سوالات فنی و قضایی از متهمان پرداخت، به گونه ای که هر کدام از ۴ جوان متهم در تنگنای سوالات دقیق مقام قضایی قرار گرفتند و در نهایت مجبور می شدند دست از تناقض گویی و داستان سرایی بردارند و حقیقت ماجرا را افشا کنند.

آنان اعتراف کردند که به قصد برقراری رابطه نامشروع با متهمان به منزل مسکونی (لانه شیطانی) آمده بودند که در این هنگام قاضی صفری پرسید: وقتی فهمیدید که آن ها حاضر به برقراری رابطه نیستند و حتی «ف-ف» گریه کرده است، چرا هیچ کدام از شما به او برای فرار از چنگ دیگران کمک نکرده اید؟ که «محمد» (یکی از متهمان) پرونده «عقرب های هوسران» گفت: «ف-ف» از من کمک خواست و من با دیگر دوستانم صحبت کردم اما دختر ۱۹ ساله سخن او را قطع کرد و با کسب اجازه از مقام قضایی گفت: اما او شرط گذاشت که اگر مرا از چنگ دیگران رها کنید باید با خود او حتماً رابطه نامشروع برقرار کنم!! این در حالی بود که همه پسران مواد مخدر «گل» مصرف کرده بودند!

بنابر گزارش روزنامه خراسان، پس از آن که همه متهمان نقش خود را در این ماجرای تکان دهنده تشریح کردند، قاضی شعبه ۲۵۵ دادرسی عمومی، پایان بازسازی صحنه حادثه را اعلام کرد و بدین ترتیب ۴ متهم پرونده راهی زندان شدند و دختر ۱۹ ساله نیز برای درمان روحی و روانی به بیمارستان روان پزشکی انتقال یافت.

باند بزرگ کلاهبرداری در مشهد متلاشی شد

خریده های میلیاردی با چک های خالی!



و این گونه کنکاش های تخصصی پلیس با دستورهای قاطع قضایی شکل گسترده تری به خود گرفت. این متهم سابقه دار همچنین نشانی منزل اجاره ای در بولوار ابوطالب را به افسران دایره تجسس داد که آن را برای استقرار افرادی جنانم و معتادان کارتن خواب اجاره کرده بود. تحقیقات بیشتر نشان داد اعضای این باند با طمع افراد و لگرد و بی خانمان آن ها را به منزل اجاره ای می کشاند و سپس با نام و مشخصات آنان در بانک های گوناگون حساب بانکی باز می کنند و پس از دریافت دسته چک، به خرید های میلیاردی از کسبه، تجار و بازرگانان اقدام می کنند.

بنابر گزارش روزنامه خراسان، با افشای راز «لانه سیاه» اجاره ای، بلافاصله نیروهای انتظامی عازم منزل مذکور شدند و در بازرسی از منزل مذکور علاوه بر خساب سلاح و فشنگ جنگی بدون باروت، تعدادی شناسنامه، پخش خودرو، گاز مسافرتی، دریل شارژی، کارت



بیش از ۷۲ میلیارد تومان

چک های برگشتی در بانک های کشور دارد که آن ها را در بازار خرج کرده است. وی در بازجویی ها مدعی شد چک ها را از فردی سابقه دار به نام «ح-ن» خریده است و آن ها اعمال تنهکارانه خود را به صورت باندى انجام می دهند. با این اطلاعات

پرونده مذکور اهمیت ویژه ای یافت و به همین دلیل سرهنگ چراغ نظارت بر عملیات های پلیس را شخصا به عهده گرفت. در همین حال نیروهای تجسس با بهره گیری از تجربیات تخصصی فرمانده انتظامی مشهد و با دستورهای محرمانه قاضی واحدیان (قاضی کشیک دادسرا) شگرد قرار صوری را به کار گرفتند و با همکاری متهم دستگیر شده، منتظر حضور «ح-ن» در محل قرار (بولوار ابوطالب) ماندند تا این که وی سوار بر یک دستگاه پژو ۲۰۶ از راه رسید اما در یک لحظه به اوضاع مشکوک شد و با فشردن پدال گاز خودرو، قصد فرار داشت که خود را در محاصره عوامل انتظامی دید و بدین ترتیب حلقه های قانون بردستان این متهم سابقه دار گره خورد. بررسی های پلیس که با هدایت مستقیم رئیس کلانتری شفاوار در حله جدیدی شده بود، پرده از ماجرای چک فروشی های گسترده برداشت و مشخص شد این مرد ۴۱ ساله پرونده مفتوح با همین اتهام در دادگاه انقلاب دارو از حدود یک ماه قبل با قرار قانونی آزاد شده است. در بازرسی از خودروی متهم ۱۶ سیم کارت مختلف، ۲۰ قطعه کارت بانکی، یک جلد دسته چک امضا شده، تعدادی سرب و مهر معرفی نامه به بانک برای دریافت دسته چک کشف شد

سید خلیل سجادیپور- اعضای یک باند حرفه ای کلاهبرداری که با اجاره کردن منازل مسکونی در نقاط مختلف شهر، معتادان کارتن خواب و بی خانمان را به آن جامی کشاندند و سپس با معرفی این افراد بی نام و نشان به بانک های گوناگون، دسته چک می گرفتند، در حالی با هوشیاری و تلاش نیروهای کلانتری شفاغی مشهد دستگیر شدند که تاکنون هزاران برگ چک بی محل را در بازار های تجاری خرج کرده اند.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماجرای این کلاهبرداری های گسترده از حدود یک هفته قبل زمانی لورفت که سرگرد احسان سبکیار (رئیس کلانتری شفاغی مشهد) تعدادی از منابع و مخبران را برای یشه یابی خبر فروش چک های بی محل و حساب های بانکی خالی از پول، فعال کرد. طولی نکشید که حضور دو مالباخته در کلانتری برای شکایت از کلاهبرداران بی نام و نشان، بر اخبار مذکور مهر تایید زد و بدین ترتیب رصد های اطلاعاتی ماموران با دستورهای ویژه سرهنگ محمد چراغ (رئیس پلیس مشهد) رنگ عملیاتی به خود گرفت و گروهی از افسران کارآزموده تجسس با همکاری مال باختگان وارد عمل شدند. در همین هنگام یکی از شاکیان که مبالغ میلیاردی را از دست داده بود، سرنخ هایی را از محل تردد یکی از متهمان به نیروهای انتظامی ارائه داد و سپس با راهنمایی های افسران اطلاعاتی پلیس، وی را با شگرد های خاص به چنگ قانون انداخت. شاکی این پرونده مدعی بود، مرد ۴۰ ساله، ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان با چک های مجعول و بی محل، از وی کلاهبرداری کرده است.

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است از سوی دیگر استعلام های بانکی نشان داد متهم مذکور